

مواجهه قرآن با برده داری در سیر خطی نزول

احمد ربانی خواه^۱

فرزاد دهقانی^۲

محمد علی محمدی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲، صفحه ۲۵۶ تا ۲۷۵ (مقاله پژوهشی)

چکیده

قرآن آخرین کتاب وحیانی و معجزه فرازمانی و فرامکانی دین اسلام است که با نزول آن سنت‌های جاهلی ریشه کن شد و فرهنگ اصیل وحیانی جایگزین آن شد. یکی از اصلی‌ترین شاخصه‌های قرآن در مبارزه با سنت‌های جاهلی، نگاه تدریجی در سیر خطی نزول است و این مهم به سبب توجه به مقتضیات زمان، مخاطبان و در نهایت تثبیت احکام است. یکی از این موضوعات، مسئله برده‌داری و احکام مربوط به آن است که پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و ابزار گردآوری کتابخانه‌ای - استنادی به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها است که چرا قرآن یک‌باره حکم به آزادی بردگان نداده است؟ و قرآن در سیر خطی نزول خود آزادی بردگان را چگونه به تصویر کشیده است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که حکم تدریجی آزادی برده بر پایه شرایط آن روز جامعه صادر شده و برای جلوگیری از برهم خوردن نظم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه آن روز بوده است. مواجهه قرآن با برده‌داری در سه مرحله نخست، میانی و نهایی پی‌ریزی شده است. مرحله نخست متضمن چهار گام: شوق انگیزی برای آزادسازی بردگان، عزیز و محبوب نمودن یک برده، دعوت به برابری میان مالکان و بردگان و مجوز ازدواج کنیزان با مردان آزاد می‌باشد. مرحله میانی در بردارنده چهار گام: هزینه کردن دارایی برای آزادی بردگان از مصادیق نیکی، برتری اجتماعی بردگان مؤمن بر مشرکان آزاد، آزادی برده به دست پیامبر اکرم (ص)، بالا بردن مقام کنیزان مؤمن و بیان جزئیات ازدواج آنان است. مرحله نهایی در پنج گام: آزادسازی بردگان مؤمن، جریمه و انواع کفارات، آزادی بردگان با مکاتبه، آزاد کردن یک برده و آزادسازی بردگان به عنوان یکی از مصارف زکات به انجام می‌رسد. در نهایت بردگان از شهروند فرودین، به انسان‌های آزادی تبدیل شدند که ملاک برتری تقوا بوده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، بردگان، رفتار، آزادی، نزول، سیر تدریجی احکام.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) rabbani_kh@pnu.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه حکیم سبزواری، f.dehghani@hsu.ac.ir

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبایی،

mohammadalimohammadi200@gmail.com

درآمد

رسالت اصلی قرآن کریم هدایت انسان‌ها به حیات طیبه و سعادت‌مندی است و متناسب با هدف مذکور تمام آموزه‌های آن متناظر با فطرت توحیدی، اخلاق ناب و عقلانیت و حیانی است. با نزول قرآن کریم انقلابی عظیم در اخلاق و فرهنگ فردی و اجتماعی جامعه شبه‌جزیره عربستان به وقوع پیوست. قرآن کریم در مواجهه با سنت‌های پیش از اسلام، سه نوع رفتار دارد. برخی سنت‌ها را که عقلایی و فطری بود تأیید کرد، برخی دیگر را تصحیح کرد و در نهایت به برخی سنت‌ها مهر بطلان زد. سنت‌های باطل شده از سوی دین مبین اسلام دو نوع بود؛ نخست سنتی بود که به صورت دفعی و یک‌باره باطل اعلام شد و نوع دوم سنت‌هایی بود که برای زایل کردن آنها نیازمند زمان و مراحل بیشتری بود تا از یک سو، فضای عمومی جامعه را برای جایگزین کردن و پذیرش احکام جدید آماده کند و از سوی دیگر، از شدت لجاجت و تعصب مخالفان بکاهد.

از فلسفه‌های اصلی نزول تدریجی قرآن مسئله فوق‌الذکر است. یکی از سنت‌های پیش از اسلام در اختیار داشتن برده و کنیز است که با روح کلی فرهنگ و حیانی در تضاد است. بی‌توجهی به سیر نزول و احکام اصلاحی این مقوله باعث شده است، کج‌اندیشان و بیماردلان شبهاتی به اندیشه دینی وارد کنند. پژوهش حاضر بر آن است مواجهه قرآن با برده‌داری را در سیر خطی نزول بازکاوی کند تا نظر کتاب آسمانی قرآن را در این مورد جویا شود.

طرح مسأله

برده‌داری هزاران سال پیش از اسلام در برخی جوامع رواج داشته است در حالی که انسان آزاد آفریده شده و باید آزادانه زندگی کند و گرفتن آزادی او ناروا است. دین اسلام در نخستین گام برای پاسداشت کرامت آدمی، اصل آزادی و اختیار انسان را اعلام کرد و در راه مبارزه با فرهنگ برده‌داری، ابتدا مردم را در این زمینه آگاه ساخت و راه‌هایی قانونی برای آزادی بردگان طراحی کرد و با بهره‌گیری از هر فرصت و ظرفیتی، راه آزاد شدن و آزاد زیستن بردگان را گشود. (انصاریان، بیتا، ج ۵، ص ۲۷۸) حتی یک سوره در قرآن کریم به نام لقمان، برده‌ای سیاه پوست و حکیم قرار داد. (لقمان، ۱۲) این نوشتار در پی یافتن پاسخ شایسته برای دو پرسش مهم زیر است:

چرا قرآن کریم یک‌باره حکم به آزادی بردگان نداده است؟

قرآن در سیر خطی نزول خود، آزادی بردگان را چگونه به تصویر می‌کشد؟

قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب الهی و معجزه جاوید پیامبر خاتم (ص)، به ضد ارزش‌هایی که مبنای اندیشه و عمل دوره جاهلی است پرداخته و قوانینی منطبق با فطرت پاک انسانی و اصل اساسی توحید و یکتاپرستی بنیان نهاده است. با این همه، از آنجا که هر تغییر رویه‌ای در آغاز با

مخالفت پیروان رسوم گذشته همراه است، بیان دفعی و اجرای کامل یک قانون به یکباره محکوم به شکست است؛ از این رو، ساختار بیانی قرآن نیز همانند رخداد نزول آن به صورت تدریجی و با آماده‌سازی شرایط و زمینه‌ها است و آزادی بردگان همچون دیگر مقوله‌های فرهنگی مانند تحریم شراب به تدریج انجام شده است.

قرآن کریم حکم شراب را در سه مرحله و با نزول چهار آیه، حرام اعلام کرد. نخست آیه ﴿یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فیہما اثم کبیر و منافع للناس و اثمہما اکبر من نفعہما﴾ (بقره، ۲۱۹) نازل شد. سنگینی فضای واقعیت سبب شد که قرآن در این آیه تنها به وجود گناه در شراب-خواری اشاره کند و بر تحریم مطلق آن، که انسان‌ها هنوز آمادگی آن را نداشتند، اصرار نورزد. این آیه زمینه را برای بیان یک حکم شرعی که برای جامعه آن روزگار گران می‌آمد فراهم کرد. دیگر بار آیه ﴿یا ایہا الذین آمنوا لا تقربوا الصلوة و أنتم سکاری حتی تعلموا ما تقولون﴾ (نساء، ۴۳) نازل شد. در این آیه که مرحله دوم از تحریم شراب است، خواندن نماز در حال مستی نهی شده است. نوع بیان حکم نشان می‌دهد که این نهی به منظور درمان تدریجی شراب خواری و ترک اعتیاد اجتماعی صورت گرفته است. در نهایت با نازل شدن آیات ﴿یا ایہا الذین آمنوا انما الخمر و المیسر و الأنصاب و الأزلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون﴾* انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوة و البغضاء فی الخمر و المیسر و یریدکم عن ذکر اللہ و عن الصلوة فهل أنتم متہون﴾ (مائده، ۹۱ و ۹۲) سومین مرحله نیز تکمیل و شراب به طور مطلق حرام اعلام شد. (ربانی خواه، ۱۳۸۸، ص ۱۱۶ و ۱۱۷)

اگر بنا بود آزادی بردگان به یکباره اعلام و انجام شود نتایج نامطلوبی به بار می‌آورد؛ نظم اقتصادی جامعه را بر هم می‌زد و تکانه‌های اجتماعی و سیاسی به همراه داشت. (مونتسکیو، بیتا، ص ۴۲۸) آزادی دفعی بردگان به یک بحران اجتماعی خطرناک منجر می‌شد که هم‌کیان جامعه را تهدید می‌کرد و هم بردگان را در معرض نابودی کامل قرار می‌داد؛ بردگانی آزاد شده اما بی‌سرپناه، بدون شغل و درآمد، بی‌خانواده و بی‌کس. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ص ۱۷) از این رو اسلام با یک برنامه زمان‌بندی شده، طرحی را پی‌ریخت تا ابتدا با کرامت بخشیدن به تمامی انسان‌ها (اسراء، ۷۰) و نهی شدید از برده شدن (آل عمران، ۸۰) و برکشیدن آنان از فرهنگ به دور از اخلاق دوره جاهلی (نهیج البلاغه، خطبه ۲۶) بر نادرست بودن این هنجار اجتماعی تاکید و از اسرا و بردگان جنگی حمایت کند. قرآن با طراحی قانون آزادی اسیران جنگی در اسلام به عنوان یکی از راههای برچیده شدن فرهنگ برده‌داری، زمینه فرهنگی مطلوبی در راستای رفع برده‌داری ایجاد کرد. (محمد، ۴)

مواجهه قرآن با برده داری در سیر خطی نزول

افزون بر این، آموزه‌های دینی با بهره‌گیری از مکانیسم انفاق برای آزادسازی بردگان (بقره، ۱۷۷؛ توبه، ۶۰) از ورود مصادیق جدید به حوزه بردگی و گسترش برده‌داری جلوگیری کرد؛ تا جایی که پیامبر خدا فرمود: «شَرُّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ النَّاسَ» (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۳۰) نگاهی به منابع دینی و اندیشه‌های فقیهان در این موضوع نشان می‌دهد که باور غالب، آزادی بردگان است تا گسترش برده‌داری. گواه این مدعا آن است که این موضوع در ابواب فقهی در «کتاب العتق» بحث می‌شود و بابی با عنوان «کتاب الرق» وجود ندارد. همین تبویب داده‌های دینی و فقهی گویای آن است که نگاه دین معطوف به آزادی بردگان است نه برده‌داری. اسلام برده‌داری را تنها در موضوع اسیران جنگی اجازه داده است تا با تربیت دینی و جلوگیری از تجاوز و تعدی به حقوق آنان زمینه رشد و بالندگی آنان فراهم آید و چه بسا از این رهگذر به نور حقیقت اسلام هدایت شوند. با چنین دیدگاهی می‌توان هدف اساسی از بردگی و برده‌داری در اسلام را باز نمودن مدرسه تربیتی دانست. (رضوانی، ۱۳۸۵، ص ۳۴)

پژوهش پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی و با ابزار مطالعه کتابخانه‌ای بر آن است سیر تغییر و تحول در موضوع برده‌داری و ارتقای منزلت و مقام بردگان را که قرآن کریم به زیبایی در سه مرحله ترسیم کرده است، واکاود و مسئله آزادی بردگان را از نگاه قرآن بر اساس ترتیب نزول آیات بررسی نماید. در این مسیر، آیات هم‌پیوند با موضوع برده‌داری و مفاهیم مرتبط با آن گردآوری و آیات به ترتیب نزول قرآن به روایت ابن عباس مرتب شده است. پس از آن، آیات در سه دسته جداگانه، مرحله مقدماتی، میانی و نهایی تحلیل و بررسی می‌شود و سرانجام سیر پله به پله این مراحل با در نظر گرفتن روابط مفهومی میان مراحل سه‌گانه تبیین می‌شود.

پیشینه پژوهش

در مورد پیشینه پژوهش باید گفت که به دلیل اهمیت و حساسیت موضوع، در آثار مختلفی به زوایای گوناگون موضوع پرداخته شده است، ولی آثاری که ارتباط نزدیک با پژوهش حاضر دارد عبارتند از:

مقاله‌ای با عنوان «بررسی تحول فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برده‌داری در اسلام» از زهرا قدوسی، چاپ شده در دو فصلنامه تخصصی اندیشه قرآنی، سال ششم، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸، ص ۸۴-۶۱. این پژوهش تحولات قرآن و دین اسلام درباره برده‌داری را چنین برشمرده است: محدود و منحصر کردن عوامل بردگی به یک مورد، تغییر در رفتار و تعامل با بردگان، اهتمام به آزادی بردگان با وضع قوانین جدیدی مانند آزادی بردگان عوض کفاره برخی گناهان، وضع قوانینی که منجر به حفظ کرامت و عزت انسانی بردگان می‌شود: مانند پذیرش شخصیت حقیقی

بردگان و انعقاد قرارداد با آنان، پذیرش حق آزادی آنان، پذیرش حق ازدواج شرعی و نهی از بهره کشی نامشروع جنسی از آنان، تعلیم و تربیت آنان.

همچنین مقاله‌ای دیگر با عنوان «کنکاشی در مفهوم بردگی در اسلام با توجه به مقتضیات جهان معاصر» از حسین مهرپور و کلثوم رحمن زاده، چاپ شده در مجله جستارهای حقوق عمومی سال اول، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۶، صص ۱۴۴-۱۲۱. پژوهش مذکور به بررسی و تحلیل تفاوت‌ها و شباهت‌های برده‌داری سنتی با احکام اسرای کفار حربی در صدر اسلام، برای پی بردن به این حقیقت که رعایت حقوق انسانی و دستورات قرآنی و اخلاقی و راهکارهای اجرا شده برای آزادسازی تدریجی بردگان در صدر اسلام، دلیل بر مخالفت اسلام با نظام برده‌داری بوده است، می‌پردازد. اما از این منظر که چرا قرآن حکم به آزادی دفعی بردگان نداده است و آزادی بردگان در چه سیر مفهومی تصویرسازی می‌شود هیچ اثری وجود ندارد و پژوهش حاضر در این زمینه، بدون پیشینه و دارای نوآوری است.

مراحل تبیین موضوع برده‌داری در قرآن

موضوع برده و برده‌داری در ۲۹ آیه قرآن کریم بیان شده است. هر یک از آیات به زوایایی از موضوع پرداخته است که برای تحلیل دقیق‌تر بایسته است آنها را دسته‌بندی نمود و پیوند مفهومی دقیق‌تری میانشان برقرار کرد. رعایت اصل تدرج و ترتیب در تشریح احکام و بیان مسائل تربیتی و اخلاقی برای ساختن انسان و جامعه نگاهی تسهیل‌گرانه برای ساده‌سازی و امکان تحقق امور است. در جهت‌گیری تربیتی دین و آموزه‌های آن این اصول مترقی و پیشرو (اصل تدرج و اصل تسهیل و تیسیر) جایگاهی ویژه دارند. اساس تربیت در سنت الهی بر این پایه قرار گرفته است که با انسان به اندازه توان و توانایی‌اش رفتار شود (بقره، ۲۸۶ و ۲۳۳) و یکی از دلایل نزول تدریجی و ترتیبی آیات قرآن کریم رعایت همین اصل بوده است. در واقع نزول تدریجی آیات زمینه تحول بزرگ تربیتی را در جامعه بی‌سواد و ناآگاه بدوی عربستان فراهم آورد و اگر این آموزه‌ها به شیوه دیگری ابلاغ می‌شد پذیرش آن از سوی مخاطبان سخت و تربیت آنان ناممکن می‌شد. (حجتی، ۱۳۶۰، ص ۴۸) از سوی دیگر انجام آسان امور و گشودن راههای در دسترس و میسر برای تربیت، زمینه گرایش و پذیرش مخاطبان را فراهم می‌آورد: «خَيْرُ الْأُمُورِ مَا سَهَّلَتْ مَبَادِئُهُ وَ حَسَنَتْ خَوَاتِمَهُ وَ حُمِدَتْ عَوَاقِبُهُ»؛ بهترین کارها آن است که ورودگاهش آسان، اواخرش نیکو و فرجامش ستودنی باشد. (آمدی، ۱۴۰۷، حدیث ۵۰۳۲)

خداوند کتاب خویش را برای فهم و دریافت آدمیان آسان نازل کرده است و تنها در یک سوره چهار بار بر آسان فهمی آن تاکید می‌کند. (قمر، ۱۷، ۲۲، ۳۲، ۴۰) افزون بر این، خداوند شریعت

اسلام را آسان قرار داده تا همگان بتوانند در این مسیر گام نهند (بقره، ۱۸۵؛ حج، ۷۸) زیرا آیین اسلام و تمامی آموزه‌های آن بر پایه فطرت آدمی بنا نهاده شده است. (روم، ۳۰) هم از این رو خداوند در سه مرحله به موضوع برده‌داری پرداخته و موضع دین را در این باره به تدریج اعلام کرده است. در هر یک از این مراحل برای تبیین بهتر موضوع، گامهایی پیموده شده است تا پذیرش آن برای جامعه آسان‌تر شود.

مرحله نخست

در نخستین مرحله خداوند زمینه ذهنی و فکری جامعه را برای طرح این موضوع آماده کرده است. این مرحله در مقایسه با مراحل بعدی در حکم مرحله مقدماتی است و بر پایه روایت ترتیب نزول در چهار گام قابل بررسی است. محتوای آیاتی که در هر گام نازل شده و به موضوع برده-داری اشاره کرده است با هم در پیوند است. قرآن در آغاز بحث از بردگان، آنان را همانند افراد آزاد می‌شمارد که باید از حقوق اولیه انسانی همچون آزادی، محبت، ازدواج و لوازم زندگی مناسب برخوردار باشند. همچنین پاره‌ای از آیات قرآن به جنبه انسانی بردگان اشاره دارد و آنان را به عنوان یکی از اعضای خانواده می‌شمارد. (احزاب، ۵۰ و ۵۵؛ نور، ۵۸)

گام اول: شوق انگیزی برای آزادسازی بردگان

آیات چهارگانه سوره بلد (۶،۱۱،۱۲،۱۳) که در روایت عطاء از ابن عباس سی و پنجمین سوره نازل شده است؛ اولین گام قرآن برای آماده‌سازی جامعه و فرهنگ عمومی در جهت آزادسازی بردگان است. در این مرحله به تکریم و گرمی‌داشت بردگان پرداخته و آزاد کردن برده در راه خدا با انفاق مال و تحمل مشقت در راه آن، امری مهم و بسان عبور از گردنه‌ای دشوار توصیف شده است: «يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا * فَلَا أَفْتَحَمَ الْعَقَبَةَ * وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ * فَكُ رَقَبَةً» (بلد، ۶،۱۱،۱۲،۱۳) «گوید: «مال فراوانی تباه کردم. * و [لی] نخواست از گردنه [عاقبت‌نگری] بالا رود! * و تو چه دانی که آن گردنه [سخت] چیست؟ * بنده‌ای را آزاد کردن.»

تعبیر کنایی «ما أدراک» در این ساختار نشان از بزرگی و جلالت شأن و جایگاه «عقبه» دارد. مراد از عقبه، آزاد کردن برده (فک رقبه) است، که از اعمال نیک به شمار می‌رود. ناگفته خود پیداست که یکی از مصادیق روشن عقبه، آزاد کردن بنده است و مصادیق دیگر آن در آیات بعد بیان شده است، ولی مقدم شدن آزادسازی برده بر دیگر امور نشان از عنایت ویژه خداوند به این کار نیک دارد. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰، ص ۲۹۳)

در بیشینه آیات سوره بلد به مجموعه‌ای از کارهای نیک که بر مدار خدمت به خلق و کمک به ناتوانان می‌چرخد اشاره شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۷، ص ۲۷) با توجه به سخنان

علامه طباطبایی که آزادسازی برده را از اعمال نیک و مورد عنایت خداوند می‌شمارد و حکمت تقدم آزادسازی بردگان بر دیگر کارهای نیک را اهمیت این موضوع در نگاه الهی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰، ص ۲۹۳) می‌توان گفت که در واقع قرآن کریم با این اشاره، گام اول آزادسازی بردگان را با شوق انگیزی در افراد جامعه برداشته است.

گام دوم: عزیز و محبوب نمودن یک برده

به گواهی قرآن کریم در سوره یوسف، حضرت یوسف (ع) برده‌ای است که عزیز مصر او را از بازار برده‌فروشان خریده است و خداوند این برده را در چند عبارت قرآنی بزرگ داشته است؛ برای مثال می‌فرماید: ﴿وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَفْعَلَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ﴾ (یوسف، ۲۱) «و آن کس که او را از مصر خریده بود به همسرش گفت: «نیکش بدار، شاید به حال ما سود بخشد یا او را به فرزندی اختیار کنیم.» و بدین گونه ما یوسف را در آن سرزمین مکانت بخشیدیم...»

یوسف پس از افتادن در چاه و اسیر شدن و فروخته شدن، به لطف خداوند در سرزمین مصر موقعیت بالایی پیدا کرد و بعدها خود عزیز مصر شد و بر گنجینه‌های مصر دست یافت. یکی از دلایل این لطف الهی، توانمندسازی آن حضرت در دانش تعبیر خواب بود. (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۳۶۱) این آیه برای بیان ارتقای منزلت یک برده است و اراده خداوند بر این تعلق می‌گیرد که محبت نوجوان و برده‌ای ناشناس را چنان در قلب حاکمان مصر جای دهد تا زمینه‌های حکومت آینده آنان را فراهم سازد. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۱۷۷) در واقع خداوند در این آیه، در پی فروکاستن از باور جزمی اعراب صدر اسلام است که هر گونه انسانیت را از بردگان به دور می‌دانستند و هیچ ارزش و اعتباری برای بردگان قائل نبودند. این بیان الهی نشان می‌دهد که یک برده قابلیت رسیدن به جایگاه والا را دارد و می‌تواند به مناصب مهم اجتماعی برسد.

گام سوم: دعوت به برابری میان مالکان و بردگان

خداوند متعال در قدمی دیگر از مراحل آزادسازی بردگان در آیه ۷۱ سوره نحل می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادَىٰ رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَلَيْسَ اللَّهُ بِجَحْدُونَ﴾ (نحل، ۷۱) «و خدا بعضی از شما را در روزی بر بعضی دیگر برتری داده است. و [ای] کسانی که فزونی یافته‌اند، روزی خود را به بندگان خود نمی‌دهند تا در آن با هم مساوی باشند. آیا باز نعمت خدا را انکار می‌کنند؟» شبیه همین مضمون در آیات دیگری مانند آیه ۲۸ سوره روم نیز بیان شده است.

مواجهه قرآن با برده داری در سیر خطی نزول

خداوند متعال در این آیه با نکوهش تنگ‌نظری و بخل، انسان‌ها را به مساوات و مواسات سفارش می‌کند. انسان مسلمان باید تلاش کند تا میان خود و زیردستانش در حد امکان مساوات را رعایت کند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۲۸۸) مضمون و محتوای این آیه در سخنان پیامبر خدا نیز دیده می‌شود. آن حضرت رابطه میان بردگان و مالکان آنها را رابطه برادری و برابری می‌داند و با دعوت مالکان به رعایت مساوات در حق بردگان می‌فرماید: «إِنَّمَا هُمْ إِخْوَانُكُمْ فَأَكْسُوهُمْ مِمَّا تَكْسُونَ وَ أَطْعِمُوهُمْ مِمَّا تَطْعَمُونَ؛ زیردستان شما برادران شما هستند؛ از آنچه می‌پوشید به آنان بپوشانید و از آنچه می‌خورید به آنان بخورانید.» (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۶۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۴۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۲۰) علاوه بر سیره پیامبر اکرم (ص)، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نیز نهایت احترام را در حق برده‌ها داشتند و برای آنان حقوق خاصی قرار می‌دادند. حضرت امام رضا (ع) بر سر سفره غذا، همگی بردگان و غلامان و حتی دربان و میرآخور را در کنار خویش می‌نشاند. (فضل الله، ۱۳۸۲، ص ۵۵)

به استناد آیه ۷۱ سوره نحل، خداوند در این مرحله به مالکان سفارش می‌کند از روزی که خدا به آنها بخشیده است به بندگان خویش بدهند. این سفارش الهی به منظور بالا بردن مقام و جایگاه فعلی بردگان است؛ زیرا در آن روزگار هیچ برده‌ای حق همنشینی و همصحبتی با صاحب خود را نداشته است. این تغییر بیان نشان از آن دارد که نگاه به موضوع بردگان در این مرحله نسبت به مراحل پیشین پیشرفت چشمگیری داشته است و قرآن کریم بر آن است تا فرهنگ عمومی جامعه را بدان پایه از پیشرفت و تحول برساند که بردگان در روزی مالکان خود به اندازه مساوی شریک باشند. فراتر از این، در آیاتی مالکان به رفتار خوب با برده‌ها همچون دیگر اعضای خانواده و همنوعان خویش سفارش شده‌اند. (نساء، ۳۶)

گام چهارم: مجوز ازدواج کنیزان با مردان آزاد

قرآن در چهارمین گام مرحله نخست آزادسازی بردگان، از جواز ازدواج آنان سخن گفته (نساء، ۳۱ و ۲۴؛ معارج، ۳۰؛ نور، ۳۲؛ احزاب، ۵۲) و در آیات ۵ و ۶ سوره مؤمنون این موضوع را تبیین کرده است: «وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ * إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ» (مؤمنون، ۵-۶) «و کسانی که پاکدامندند،* مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده‌اند، که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست.» باید توجه داشت که حلال بودن کنیزان (زنان برده) در گرو شرایط گوناگونی است که بسیاری از آن شرایط همچون شروط همسررداری است که در منابع فقهی به تفصیل بیان شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۱۹۹) بر پایه این آیات، خداوند بهره‌گیری و استمتاع از کنیزان را برای مردان، حلال و روا می‌داند. این روا

دانستن بیش از آنکه به بهره‌وری جنسی از بردگان نظر داشته باشد در راستای ارتقای منزلت اجتماعی کنیزان است و می‌خواهد سطح اجتماعی کنیزان را به اندازه زنان آزاد بالا آورد و ازدواج مردان آزاد با آنان را در مولفه‌های فرهنگی جامعه وارد کند. با فرهنگ‌سازی در این موضوع، در مراحل بعدی رعایت مهریه و اجازه از خانواده کنیز جزو شرایط ازدواج با کنیزان اعلام می‌شود. خداوند در مرحله مقدماتی آزادسازی بردگان در چهار گام همه حقوق فردی، انسانی و اجتماعی بردگان را بیان می‌کند؛ در گام نخست مردم را برای آزادسازی بردگان تشویق می‌کند تا حق آزادی و آزاد زیستن بردگان را پاس دارند. در گام دوم با محبوب‌سازی بردگان و ارتقای منزلت اجتماعی ایشان بر آن است تا بردگان زیر چتر محبت و حمایت افراد قرار گیرند و تفاوتی میان آنها و دیگران نباشد. در گام سوم دیوار تفاوت و نظام طبقاتی میان برده و مالک را فرومی‌پاشد و به تساوی حقوق میان برده و صاحب حکم می‌دهد. در آخرین گام به ازدواج بردگان می‌پردازد تا آنان را همانند دیگر افراد جامعه از حقوق انسانی و اجتماعی برخوردار سازد.

مرحله میانی

با توجه به گام‌های چهارگانه مرحله مقدماتی برای آماده‌سازی بستر ذهنی افراد و برشمردن حقوق اساسی بردگان؛ در این مرحله پس از فراهم آوردن زیرساخت‌های فرهنگ عمومی، به بالا بردن جایگاه اجتماعی بردگان (غلامان و کنیزان) می‌پردازد و آزادسازی بردگان را از نمونه‌های بارز و واقعی کار نیک برمی‌شمارد. قرآن در این مسیر برای نشان دادن جلوه عملی آموزه‌های دینی در این باره، از آزادسازی برده‌ای به نام زید به دست پیامبر اکرم (ص) سخن می‌گوید. این مرحله از سفارش‌ها و اقدامات قرآن که در توضیح و تکمیل مرحله نخست آمده است مرحله میانی به شمار می‌رود.

گام اول: هزینه‌کردن دارایی برای آزادی بردگان از مصادیق نیکی

خداوند در ادامه مراحل تدریجی آزادسازی بردگان این بار در مرحله میانی مصادیقی از نیکی را مشخص کرده است که هزینه‌کردن دارایی برای آزادی بردگان یکی از آنهاست: ﴿لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُغُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ﴾ (بقره، ۱۷۷) / «نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید، بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد، و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش، به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان و گدایان و در راه [آزاد کردن] بندگان بدهد...»

این آیه در پی تعریفی دقیق از مفهوم نیکوکاری است. قرآن در این آیه به جای اشاره به نیکوکار به اصل نیکوکاری می‌پردازد و از نیکی سخن می‌گوید. در زبان عربی بیان اهمیت و ارزش چیزی آن را به صورت مصدری ذکر می‌کنند نه وصف. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۵۹۸) یکی از مصادیق نیکی در این آیه، آزاد کردن بردگان است که تعبیر «فی الرقاب» به آن اشاره دارد؛ (مبیدی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴۶۷) بردگانی که مالکانشان نیاز مالی آنان را تامین می‌کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۵۹۹). این یک حکم عبادی است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۲۹) که دلالت بر وجوب می‌کند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۷۷)

گام دوم: برتری اجتماعی بردگان مؤمن از مشرکان آزاد

در گام دوم این مرحله خداوند غلامان و کنیزان با ایمان را والاتر از انسان آزاد مشرک معرفی می‌کند و این‌گونه جایگاه آنان را در نگاه دین‌باوران ارتقا می‌بخشد و می‌فرماید: ﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلِلْأُمَّةِ الْمُؤْمِنَةِ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَ لَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلِعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَ لَوْ أَعْجَبَكُمْ﴾ (بقره، ۲۲۱) «و با زنان مشرک ازدواج نکنید، تا ایمان بیاورند. قطعاً کنیز با ایمان بهتر از زن مشرک است، هر چند [زیبایی] او شما را به شگفت آورد. و به مردان مشرک زن دهید تا ایمان بیاورند. قطعاً برده با ایمان بهتر از مرد آزاد مشرک است، هر چند شما را به شگفت آورد...»

به تصریح این آیه، اصل بنیادین در همسرگزینی ایمان است، پس نباید فریب ظاهر زیبای مشرکان را خورد بلکه ایمان ملاک پیوند زناشویی است؛ زیرا ازدواج خوب و موفق زمینه‌ساز بهشت و ازدواج بد و ناموفق زمینه‌ساز جهنم است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۹۴) به گواه تاریخ، در دسته بندی افراد جامعه مخاطب قرآن در صدر اسلام چهار دسته افراد را میتوان دید: ۱- زنان و مردان آزاد مؤمن؛ ۲- زنان و مردان آزاد مشرک؛ ۳- زنان و مردان برده مؤمن؛ ۴- زنان و مردان برده مشرک. خداوند متعال در این آیه زن و مرد برده مؤمن را از زن و مرد آزاد مشرک برتر و بالاتر می‌داند و منزلت اجتماعی آنان را بعد از زنان و مردان آزاد مؤمن در رتبه دوم و بالاتر از دو گروه دیگر قرار می‌دهد. (نک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۰۵)

گام سوم: آزادی برده به دست پیامبر اکرم (ص)

نخستین اقدام عملی در آزادسازی یک برده در قرآن کریم گزارش شده است: ﴿وَ إِذْ يَقُولُ لِذِي نَعْمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أُنْعَمَ عَلَيْهِ﴾ (احزاب، ۳۷) «و آن گاه که به کسی که خدا بر او نعمت ارزانی داشته بود و تو [نیز] به او نعمت داده بودی...» این آیه به داستان ازدواج زید بن حارثه اشاره دارد. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۶) منظور از نعمت خداوند همان نعمت هدایت و ایمان است

که نصیب زید کرده و نعمت پیامبر (ص) این بود که وی را آزاد کرد و او را همچون فرزند خویش گرامی داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۳۲۰) و دختر عمه خویش زینب بنت جحش را به همین برده تزویج کرد. (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۵، ص ۱۵۸) این بیان قرآن به مراحل بالاتری از سیر منزلت بخشی به بردگان اشاره دارد و عملاً تلاشی است برای خارج ساختن آنان از طبقه بردگانی و سوق دادن به طبقه انسان‌های آزاد در آن جامعه.

توجه به سلوک فردی و سیره پیشوایان دین (ع) و اهتمام آنان به خرید و آزادسازی بردگان در کنار پیام این آیه بسیار راهگشاست. امامان شیعی بردگان زیادی را می‌خریدند و آنها را مدتی در خانه خود تربیت می‌کردند تا کمالات انسانی و درجات ایمانی آنان تقویت شود و سپس آنها را به جامعه می‌سپردند تا جامعه از وجود و خدمات آنان بهره‌مند شود. (مطهری، ۱۳۹۹، ج ۲۶، ص ۴۲۹)

گام چهارم: بالا بردن مقام کنیزان مؤمن و بیان جزئیات ازدواج آنان

این بار کنیزان به جایگاهی رسیده‌اند که خداوند علاوه بر همسطح دانستن زنان آزاده با کنیزان تصریح می‌دارد که در صورت ضرورت و نبود استطاعت مالی برای ازدواج با زنان آزاد، می‌توانند با کنیزان مومن ازدواج نمایند همچنین تاکید می‌کند که آنان را با اجازه خانواده‌شان به همسری درآورد و مهرشان را به طور پسندیده به آنها بدهید: ﴿وَمَنْ لَّمْ يَسْتِطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانكِحُوهُنَّ بِأَذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (نساء، ۲۵) و هر کس از شما، از نظر مالی نمی‌تواند زنان [آزاد] پاکدامن با ایمان را به همسری [خود] درآورد، پس با دختران جوانسال با ایمان شما که مالک آنان هستید [ازدواج کند]؛ و خدا به ایمان شما داناتر است. [همه] از یکدیگرید. پس آنان را با اجازه خانواده‌شان به همسری [خود] درآورد و مهرشان را به طور پسندیده به آنان بدهید...»

در جامعه‌ای که برده‌داری رایج بود، ازدواج مرد آزاد با زن برده کسر شأن و توهین به مرد به شمار می‌رفت. قرآن کریم تذکر می‌دهد که ازدواج با زنان برده را کسر شأن خود ندانید؛ زیرا همه شما فرزندان آدم و از یک ریشه‌اید و در اصل ایمان مساوی هستید. در نگاه دینی همه مسلمانان در احکام و نتایج انجام آن یکسان هستند و حقوق مساوی دارند. (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۱۱؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۴۳) در موضوع ازدواج نیز خداوند درباره آنان سفارش می‌کند که مردان در صورت نداشتن توان مالی برای ازدواج با زنان آزاد، با کنیزان مؤمن ازدواج کنند. این آیه، توضیح گام چهارم مرحله نخست است که در آن کلیت موضوع ازدواج کنیزان مطرح شده بود. در

مواجهه قرآن با برده داری در سیر خطی نزول

این گام قرآن کریم به بیان جزئیات ازدواج کنیزان از جمله اجازه خواستن داماد از خانواده کنیز و همچنین پرداخت شایسته مهریه پرداخته است. کوتاه سخن آنکه چهار اقدام مرحله میانی به گونه-ای توضیح و بیان جزئیات اقدامات مرحله نخست است.

کشف پیوند مفهومی میان مرحله نخست و مرحله دوم

با تبیین دقیق پیوند مفهومی میان دو مرحله، خواهیم دید که آیات مرحله دوم به تکمیل و برشمردن جزئیات مرحله نخست پرداخته است و سیر تدریجی مطرح در گام‌های چهارگانه مرحله نخست با دستورالعمل‌ها و اقدامات مرحله دوم تکمیل شده است. همین وابستگی میان این دو مرحله نتایج را به دست می‌دهد:

۱. گام نخست هر دو مرحله به آزادسازی بردگان توجه دارد؛ بدین سان که در مرحله نخست اشتیاق مسلمانان را برای آزاد ساختن برده برمی‌انگیزد و در مرحله دوم آزاد ساختن بردگان را از نمونه‌های بارز نیکی برمی‌شمارد.

۲. در گام دوم هر دو مرحله محبوب جلوه دادن برده و بالابردن مقام او در دستور کار است؛ به گونه‌ای که خداوند در مرحله نخست حضرت یوسف را به عنوان یک برده بزرگ می‌دارد و مورد عنایت خویش قرار می‌دهد و در مرحله دوم به بالا بردن مقام کنیزان و غلامان مومن در مقایسه با مردان و زنان آزاد مشرک می‌پردازد.

۳. خداوند در گام سوم مرحله نخست به رعایت مساوات میان مالکان و زیردستان به مثابه یک عمل اخلاقی دستور می‌دهد و در گام سوم از مرحله دوم نیز از عمل اخلاقی زیبای آزاد سازی برده‌ای به نام زید به دست پیامبر اکرم (ص) سخن می‌گوید.

۴. در آخرین گام هر دو مرحله موضوع ازدواج کنیزان مطرح شده است. طرح این موضوع نیز به صورت منطقی و از کل به جز است. قرآن در مرحله نخست ازدواج کنیزان با مردان آزاد را مجاز اعلام می‌کند و با پیوند مفهومی زیبایی در مرحله دوم به ذکر جزئیات انجام این عمل مجاز می‌پردازد و به اجازه خانواده کنیز و پرداخت شایسته مهریه به عنوان زیر مباحث موضوع ازدواج کنیزان اشاره می‌کند.

مرحله نهایی

تا کنون دو مرحله از مراحل آزادسازی تدریجی بردگان بیان شد. هدف از تبیین دو مرحله پیشین، رسیدن به این مرحله و اشاره به راههای آزادسازی بردگان بود. در آیات قرآن کریم و سنت معصومین (ع) به راههای گوناگون آزادی بردگان اشاره شده است، همچنین از پاره‌ای روایات

فهمیده می‌شود که آزاد کردن غیر مسلمان در کفارات جایز نیست. (قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۱۱، ص ۵۶) ما در این بخش به راههای ارائه شده توسط قرآن برای آزادگی بردگان می‌پردازیم.

گام نخست: آزادسازی بردگان مؤمن، جریمه و کفاره قتل خطاء

در آخرین مرحله آزادسازی بردگان در قرآن کریم، خداوند به راههای شرعی آزادسازی بردگان می‌پردازد. برای نمونه در سوره نساء کفاره قتل خطاء را آزادسازی یک برده تعیین کرده است: ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهَا إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ (نساء، ۹۲) «و هیچ مؤمنی را نسزد که مؤمنی را -جز به اشتباه -بکشد. و هر کس مؤمنی را به اشتباه کشت، باید بنده مؤمنی را آزاد و به خانواده او خون-بها پرداخت کند؛ مگر اینکه آنان گذشت کنند. و اگر [مقتول] از گروهی است که دشمنان شما نیستند و [خود] وی مؤمن است، [قاتل] باید بنده مؤمنی را آزاد کند [و پرداخت خون‌بها لازم نیست]. و اگر [مقتول] از گروهی است که میان شما و میان آنان پیمانی است، باید به خانواده وی خون‌بها پرداخت نماید و بنده مؤمنی را آزاد کند. و هر کس [بنده] نیافت، باید دو ماه پیاپی -به عنوان توبه‌ای از جانب خدا -روزه بدارد، و خدا همواره دانای سنجیده‌کار است.»

این آیه جریمه و کفاره قتل خطا را در سه حالت و وضعیت بیان می‌کند: حالت نخست اینکه فرد بی‌گناهی که از روی اشتباه کشته شده است مسلمان باشد؛ در این صورت، قاتل باید هم برده مسلمانی را آزاد نماید و هم خون‌بهای مقتول را به صاحبان خون بپردازد، مگر اینکه خانواده مقتول با رضایت خاطر از دیه بگذرند. حالت دوم اینکه مقتول از خانواده‌ای باشد که با مسلمانان دشمنی دارند؛ در این صورت کفاره قتل خطا تنها آزاد نمودن برده است و پرداخت دیه بر گروهی که تقویت مالی آنان برای مسلمانان خطرناک خواهد شد ضرورت ندارد. افزون بر این، اسلام ارتباط این فرد را با خانواده خود که همگی دشمن دین هستند بریده است و جایی برای جبران خسارت نیست. حالت سوم اینکه خاندان مقتول از کفاری باشند که با مسلمانان هم‌پیمانند؛ در این صورت برای احترام به پیمان باید علاوه بر آزاد کردن یک برده مسلمان، خون‌بهای او را به بازماندگانش بپردازند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۶۲)

محدوف بودن با توجه به اینکه فاعل فعل در عبارت «تحریر رقبه» و جوب این کار را می‌رساند؛ یعنی «فیجب علیه تحریر رقبه» این مفهوم را می‌رساند که در کفاره قتل خطایی آزاد کردن بنده مؤمن واجب است. (جرجانی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۹۵) این وجوب مسیر اقدام مسلمانان

برای آزادی بردگان را نه تنها فراهم و تسهیل می‌کند که آن را عملی الزامی و ضروری می‌شمارد و در زمره احکام عملی اسلام قرار می‌دهد.

گام دوم: آزادی بردگان با مکاتبه

قرآن کریم، دومین راه آزاد شدن یک برده را مکاتبه معرفی کرده است؛ به این صورت که انسان با بنده خود قرار داد کند که هر گاه او مبلغ معینی را به صورت اقساطی بپردازد آزاد شود.

(طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۲۱) خداوند در آیه ۳۳ سوره نور به این موضوع پرداخته است:

﴿وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَمَكَتُوهُمْ إِنْ عُلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتُوهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُكْرَهُوا فَتِيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لَتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ «و کسانی که [وسیله] زناشویی نمی‌یابند، باید عفت ورزند تا خدا آنان را از فضل خویش بی‌نیاز گرداند. و از میان غلامانتان، کسانی که در صدقند با قرارداد کتبی، خود را آزاد کنند، اگر در آنان خیری [و توانایی پرداخت مال] می‌یابید، قرار باز خرید آنها را بنویسید، و از آن مالی که خدا به شما داده است به ایشان بدهید [تا تدریجاً خود را آزاد کنند]، و کینزان خود را -در صورتی که تمایل به پاکدامنی دارند- برای اینکه متاع زندگی دنیا را بجوید، به زنا وادار مکنید، و هر کس آنان را به زور وادار کند، در حقیقت، خدا پس از اجبار نمودن ایشان، [نسبت به آنها] آمرزنده مهربان است.»

از آنجا که اسلام به هر مناسبت که سخن از بردگان به میان می‌آید به آزادی آنها توجه ویژه‌ای نشان می‌دهد، در بحث ازدواج، به موضوع آزادی بردگان با مکاتبه (بستن قرارداد برای کار کردن غلامان و پرداختن مبلغی به صورت اقساط به مالک خود برای آزاد شدن) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۴۵۹) می‌پردازد. منظور از مکاتبه آن است که مالک یک برده، با غلام خویش قرار می‌گذارد که غلام، مقداری پول به او بدهد و در مقابل آزاد شود. این آیه دستور می‌دهد که اگر غلامان برای آزادی خویش چنین درخواستی از شما داشتند به آن پاسخ مثبت بدهید. (قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۷، ص ۲۱۵)

گام سوم: آزاد کردن یک برده، کفاره ظهار

ظهار از ماده ظَهَرَ در لغت به معنی پشت (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۵۲۸) و در اصطلاح فقهی، نوعی از طلاق دوره جاهلی است که مرد به همسرش می‌گوید: «ظَهَرَكَ عَلَى كَظْهِرِ أُمِّي عَلَيَّ» یعنی، پشت تو نسبت به من، همانند پشت مادرم به من است؛ همان‌طور که آمیزش با او حرام است، انجام این عمل با تو نیز بر من حرام است. (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۴؛ فیض

کاشانی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۱۴۳) مقرراتظهار که نوعی جدایی در رابطه زناشویی در فقه اسلامی است در چهار آیه نخست سوره مجادله آمده است.ظهار در نگاه اسلامی حرام و گناه است و آمیزش جنسی بین زوجین را ممنوع می‌کند. برای رفع این ممنوعیت شوهر باید ازظهار رجوع کند و کفارهظهار را بپردازد. کفارهظهار به تصریح قرآن کریم آزادی یک برده است:

﴿وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكُمْ تُوَعِّظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ (مجادله، ۳) «و کسانی که زنانشان راظهار می‌کنند، سپس از آنچه گفته‌اند پشیمان می‌شوند، بر ایشان [فرض] است که پیش از آنکه با یکدیگر همخوابگی کنند، بنده‌ای را آزاد گردانند. این [حکمی] است که بدان پند داده می‌شوید، و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.» به باور مفسران، آزادی برده برای کفارهظهار باید پیش از مقاربت باشد. (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۵۴۳؛ قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۱۱، ص ۵۶)

گام چهارم: آزادسازی برده یکی از کفاره‌های شکستن سوگند

قرآن کریم در این گام، از راهی دیگر در پی آزادی بردگان برآمده است؛ این راه آزاد کردن یک برده برای کفاره شکستن سوگند است: ﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ و لَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كَسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ و احْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ بَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (مائده، ۸۹) «خدا شما را به سوگندهای بیهوده‌تان مؤاخذه نمی‌کند، ولی به سوگندهایی که [از روی اراده] می‌خورید [و می‌شکنید] شما را مؤاخذه می‌کند. و کفاره‌اش خوراک دادن به ده بینواست -از غذاهای متوسطی که به کسان خود می‌خورانید- یا پوشانیدن آنان یا آزاد کردن بنده‌ای. و کسی که [هیچ یک از اینها را] نیابد [باید] سه روز روزه بدارد. این است کفاره سوگندهای شما وقتی که سوگند خوردید. و سوگندهای خود را پاس دارید. این گونه خداوند آیات خود را برای شما بیان می‌کند، باشد که سپاسگزاری کنید.»

آزادسازی بردگان به عنوان کفاره شکستن سوگند نشان می‌دهد که اسلام برای آزادی بردگان از ابزارهای گوناگون بهره برده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۶۶) این کار در واقع نوعی سیاست و برنامه‌ریزی اسلام برای مبارزه با برده‌داری است که در نهایت، به حذف برده‌داری از سرزمین‌های مسلمان‌نشین می‌انجامد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۲۱۰)

گام پنجم: آزادی بردگان، یکی از مصارف زکات

آخرین راه سفارش شده در قرآن کریم برای آزادی بردگان، فریضه مهم زکات است که مصارف متعددی دارد و خداوند در این آیه سهمی از زکات مسلمین را برای خرید بردگان و

مواجهه قرآن با برده داری در سیر خطی نزول

آزادسازی آنان اختصاص داده است: ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه، ۶۰) «صدقات، تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدیان [گردآوری و پخش] آن، و کسانی که دلشان به دست آورده می‌شود، و در [راه آزادی] بردگان، و وامداران، و در راه خدا، و به در راه مانده، اختصاص دارد. [این] به عنوان فریضه از جانب خداست، و خدا دانای حکیم است.»

برنامه اسلام در مورد بردگان، آزادی تدریجی آنان است تا در نتیجه، همه بردگان بدون روبه‌رو شدن با واکنش‌های نامطلوب اجتماعی آزاد شوند و تخصیص سهمی از زکات، به این موضوع، گوشه‌ای از این برنامه است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۵)

یکی از مصارف زکات، هزینه خرید بردگان و آزادسازی آنان است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ش، ج ۵، ص ۶۵) این فرایند نیز باید با نگاه تربیتی انجام شود؛ یعنی برده‌ای که تربیت اسلامی ندارد باید خریداری و مدتی در فضای خانواده مسلمان تربیت شود و آداب و اخلاق عملی اسلامی را بیاموزد و بعد آزاد شود. (مطهری، ۱۳۹۹، ج ۲۶؛ ص ۴۲۹)

نتیجه

موضوع برده‌داری در ۲۹ آیه قرآن کریم بیان شده است که نگاه خطی به این آیات، رفتار و نگاه قرآن با این مسئله را به تصویر می‌کشد و تدریجی بودن حکم آزادی بردگان را نشان می‌دهد. توجه به مقتضیات زمان، مخاطبان و در نهایت تثبیت احکام، تعلیل چرایی حکم تدریجی آزادی است. در اوایل بعثت و در آیات مکی اصل وجود مسئله برده‌داری متناسب با فرهنگ موجود، مفروض گرفته شده و گام‌های منظم و پی در پی برای ریشه‌کن کردن این امر پی‌ریزی شده است تا ضمن توجه به مقتضیات و مخاطبان، اصل مسئله از بین برود. به همین منظور قرآن کریم در سه مرحله مقدماتی، میانی و نهایی به مواجهه با برده‌داری پرداخته است.

در نخستین مرحله با گام‌های شوق‌انگیزی برای آزادسازی بردگان، عزیز و محبوب نمودن یک برده، دعوت به برابری میان مالکان و بردگان و مجوز ازدواج کنیزان با مردان آزاد، زمینه ذهنی و فکری جامعه را برای طرح این موضوع آماده کرده است. این مرحله در مقایسه با مراحل بعدی در حکم مرحله مقدماتی است و بر پایه روایت ترتیب نزول در چهار گام قابل بررسی است. محتوای آیاتی که در هر گام نازل شده و به موضوع برده‌داری اشاره کرده است با هم در پیوند است. قرآن در آغاز بحث از بردگان، آنان را همانند افراد آزاد می‌شمارد که باید از حقوق اولیه انسانی همچون آزادی، محبت، ازدواج و لوازم زندگی مناسب برخوردار باشند.

در مرحله متوسط با توجه به گام‌های چهارگانه مرحله مقدماتی برای آماده‌سازی بستر ذهنی افراد و برشمردن حقوق اساسی بردگان؛ در این مرحله پس از فراهم آوردن زیرساخت‌های فرهنگ عمومی، به بالا بردن جایگاه اجتماعی بردگان (غلامان و کنیزان) می‌پردازد و آزادسازی بردگان را از نمونه‌های بارز و واقعی کار نیک برمی‌شمارد. قرآن در این مسیر برای نشان دادن جلوه عملی آموزه‌های دینی، از آزادسازی برده‌ای به نام زید به دست پیامبر اکرم (ص) سخن می‌گوید. این مرحله از سفارش‌ها و اقدامات قرآن که در توضیح و تکمیل مرحله نخست آمده است مرحله میانی به شمار می‌رود.

در واقع آیات مرحله دوم به تکمیل و برشمردن جزئیات مرحله نخست پرداخته است و سیر تدریجی مطرح در گام‌های چهارگانه مرحله نخست با دستورالعمل‌ها و اقدامات مرحله دوم تکمیل شده است. همین وابستگی میان این دو مرحله، نتایجی را به دست می‌دهد: از جمله؛ گام نخست هر دو مرحله به آزادسازی بردگان توجه دارد؛ بدین سان که در مرحله نخست اشتیاق مسلمانان را برای آزاد ساختن برده برمی‌انگیزد و در مرحله آزاد ساختن بردگان را از نمونه‌های بارز نیکی برمی‌شمارد. در گام دوم هر دو مرحله، محبوب جلوه دادن برده و بالابردن مقام او در دستور کار است؛ به گونه‌ای که خداوند در مرحله نخست حضرت یوسف را به عنوان یک برده بزرگ می‌دارد و مورد عنایت خویش قرار می‌دهد و در مرحله دوم به بالا بردن مقام کنیزان و غلامان مومن در مقایسه با مردان و زنان آزاد مشرک می‌پردازد. خداوند در گام سوم مرحله نخست به رعایت مساوات میان مالکان و زیردستان به مثابه یک عمل اخلاقی دستور می‌دهد و در گام سوم از مرحله دوم نیز از عمل اخلاقی زیبای آزادسازی برده‌ای به نام زید به دست پیامبر اکرم (ص) سخن می‌گوید.

در آخرین گام هر دو مرحله، موضوع ازدواج کنیزان مطرح شده است. طرح این موضوع نیز به صورت منطقی و از کل به جز است. قرآن در مرحله نخست، ازدواج کنیزان با مردان آزاد را مجاز اعلام می‌کند و با پیوند مفهومی زیبایی در مرحله دوم به ذکر جزئیات انجام این عمل مجاز می‌پردازد و به اجازه خانواده کنیز و پرداخت شایسته مهریه به عنوان زیر مباحث موضوع ازدواج کنیزان اشاره می‌کند.

در مرحله نهایی به راههای آزادسازی بردگان پرداخته می‌شود. این مرحله در پنج گام آزادسازی بردگان مؤمن، جریمه و کفاره قتل خطاء، آزادی بردگان با مکاتبه، آزاد کردن یک برده، کفاره ظهار، آزادسازی یک برده یکی از کفاره‌های شکستن سوگند و آزادسازی بردگان به عنوان یکی از مصارف زکات، راههای گوناگون آزادی بردگان و تبدیل آنها به انسان‌های آزادی که ملاک

مواجهه قرآن با برده داری در سیر خطی نزول

برتریشان تقوا است، را بیان کرده است. در نهایت بردگانی که در سال‌های آغازین بعثت طوق بردگی در گردن داشتند با برنامه دقیق و منظم و تدریجی قرآن کریم به شهروندان آزاد در مدینه تبدیل شدند.

جدول سیر خطی نزول آیات آزادی بردگان

مراحل	اقدامات	مفهوم اقدامات	آدرس به ترتیب نزول	
			سوره	آیه
مراحل مقدماتی	گام اول	شوق انگیزی برای آزاد سازی بردگان	بلد	۱۱-۱۲-۱۳
	گام دوم	عزیز و محبوب نمودن یک برده	یوسف	۲۱
	گام سوم	دعوت به برابری میان مالکان و بردگان	نساء نحل روم	۳۶ ۷۱ ۲۸
	گام چهارم	مجوز ازدواج کنیزان با مردان آزاد	نساء مؤمنون معارج نور	۳۱ و ۲۴ ۶-۵ ۳۰ ۳۲
مراحل میانی	گام پنجم	هزینه کردن دارایی برای آزادی بردگان از مصادیق نیکی	بقره	۱۷۷
	گام ششم	برتری اجتماعی بردگان مؤمن از مشرکان آزاد		۲۲۱
	گام هفتم	آزادی برده به دست پیامبر اکرم(ص)	احزاب	۳۷
مراحل نهایی	گام هشتم	بالا بردن مقام کنیزان مؤمن و بیان جزئیات ازدواج آنان		۲۵
	گام نهم	آزادسازی بردگان مؤمن، جریمه و کفاره قتل خطاء	نساء	۹۲
	گام دهم	آزادی بردگان با مکاتبه	نور	۳۲

گام یازدهم	آزاد کردن یک برده، کفاره ظهار	مجادله	۳
گام دوازدهم	آزادسازی یک برده یکی از کفاره‌های شکستن سوگند	مائده	۸۹
گام سیزدهم	آزادسازی بردگان یکی از مصارف زکات	توبه	۶۰

منابع

قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.

۱. آمدی، عبدالواحد التمیمی (۱۴۰۷ق)، *غررالحکم و درر الکلم*، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.
۲. ابن عاشور، محمد الطاهر (۱۴۲۰ق)، *تفسیر التحریر و التنویر*، الطبعة الأولى، مؤسسه التاريخ، بیروت.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، قم، ادب، چاپ اول.
۴. انصاریان، حسین (بی تا)، *تفسیر حکیم*، دار العرفان، قم، چاپ اول.
۵. تقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸ق)، *روان جاوید در تفسیر قرآن مجید*، برهان، تهران، چاپ دوم.
۶. جرجانی، ابوالفتح بن مخدوم (۱۳۶۲ش)، *تفسیر شاهی او آیات الأحکام (جرجانی)*، نوید، تهران، چاپ سوم.
۷. جعفری، یعقوب (۱۳۷۶ش)، *تفسیر کوثر*، موسسه انتشارات هجرت، قم، چاپ اول.
۸. حجتی سید محمدباقر (۱۳۶۰ش)، *پژوهشی در تاریخ قرآن کریم*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۹. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نور الثقلین*، اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم.
۱۰. ربانی خواه، احمد (۱۳۸۸)، *نقش زمان در فهم قرآن*، سبزواری: انتشارات امید مهر، چاپ اول.
۱۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷ش)، *تفسیر قرآن مهر*، قم، چاپ اول.
۱۲. رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۵ش)، *پیامبر اعظم و جهاد و برده داری*، قم: مسجد مقدس جمکران.

۱۳. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل فی وجوه التأویل*، دار الكتاب العربی، بیروت، چاپ سوم.
۱۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی (۱۳۸۰ق)، *علل الشرایع*، منشورات المكتبة الحیدریة .
۱۵. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ دوم.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *تفسیر مجمع البیان*، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن (بیتا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ اول.
۱۸. فضل الله، محمد جواد (۱۳۸۲ش)، *تحلیلی از زندگانی امام رضا (علیه السلام)*، مترجم سید محمد صادق عارف، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ هفتم.
۱۹. فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹ق)؛ *من وحی القرآن*، الطبعة الثانية، دارالملاک، بیروت.
۲۰. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۶ق)؛ *تفسیر صافی*، قم، الهادی.
۲۱. قدوسی، زهرا (۱۳۹۸)، «بررسی تحول فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی «برده‌داری» در اسلام»، *دو فصلنامه تخصصی اندیشه قرآنی*، سال ششم، شماره ۱۱، صص ۶۱-۸۴.
۲۲. قرائتی، محسن (۱۳۸۸ش)، *تفسیر نور*، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، چاپ اول.
۲۳. قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۵ش)، *تفسیر احسن الحدیث*، بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، تهران، چاپ دوم.
۲۴. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)؛ *تفسیر قمی*، تحقیق طیب موسوی، قم، دارالکتاب.
۲۵. مطهری مرتضی (۱۳۸۹)، *مجموعه آثار (جلد ۲۵)*، انتشارات صدرا.
۲۶. مطهری مرتضی (۱۳۹۹)، *مجموعه آثار (جلد ۲۶)*، انتشارات صدرا.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، *اسلام و آزادی بردگان*، قم: نسل جوان.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، *تفسیر نمونه*، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ ۱۰.
۲۹. منتسکیو (بیتا)؛ *روح القوانین*، ترجمه علی اکبر مهتدی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ ۱۳.
۳۰. مهر پور، حسین، رحمن زاده، کلثوم (۱۳۹۶)، «کنکاشی در مفهوم بردگی در اسلام با توجه به مقتضیات جهان معاصر»، *جستارهای حقوق عمومی*، سال اول، شماره ۲، صص ۱۴۴-۱۲۱.
۳۱. میبیدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ش)، *کشف الاسرار و عدة الابرار*، امیر کبیر، تهران، چاپ پنجم.